



تردید در اجماع اصلاح طلبان بر سرموسوی لاری
وزیر کشور دولت اصلاحات
به میدان می آید؟

گروه سیاست: گویا برخی از استانداران دوران وزارت کشور عبدالواحد موسوی لاری از او درخواست کرده‌اند که نامزد انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ شود؛ خبری که فارغ از نام‌های درخواست‌کنندگان نام موسوی لاری را به فهرست نسبتا بلندبالای نامزدهای احتمالی...

صفحه ۲

چهارشنبه ۲۸ آبان ۱۳۹۹ • ۲ ربیع‌الثانی ۱۴۴۲ • ۱۸ نوامبر ۲۰۲۰



قالیباف پیش از این مهم‌ترین ریشه مشکلات را سوءمدیریت و ناهماهنگی میان نهادهای سیاست‌گذار و مجری دانسته بود

پاسخ پاستور و بهارستان به قالیباف

صفحه ۲



عکس: عبدالحمیدری، ایران

پرسش دانشجویان و بسیج دانشجویی
از اسحاق جهانگیری

یک میلیارد یورو کجا خرج شد

معاون اول رئیس‌جمهور در نامه‌ای توضیح داد

صفحه ۵



دربی فعالیت‌های انتخاباتی نامزدهای اصولگرا
قالیباف از نامزدی در انتخابات
۱۴۰۰ منع شده‌است؟

گروه سیاست: عباس سلیمی‌نمین، احتمال ورود هم‌زمان آقایان رئیسی و قالیباف به انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ را رد می‌کند. او گفت: «این گزاره دو تعارض با خرد جمعی داد. اول اینکه آقای رئیسی وارد قوه قضائیه شده، الان بر مسائل قوه این...

صفحه ۳

سال هجدهم • شماره ۲۸۶۷ • ۱۲ صفحه • ۵۰۰۰ تومان

سرمقاله

۲خطای فاحش در مسئله تورم ایران

حمزه نوذری • استاد دانشگاه خوارزمی



یکی از مهم‌ترین چالش‌های جامعه ایران در بیش از ۵۰ سال گذشته، مسئله تورم بالا و پرئوسان بوده است. درحالی‌که بیشتر کشورهای دنیا موفق شده‌اند این مسئله را کنترل کنند، جامعه ایران کماکان از تبعات آن رنج می‌برد. در این میان، هم دولتمردان و سیاستمداران و هم کارشناسان اقتصادی در بحث از ریشه‌های تورم و ارائه راه‌حل دچار خطا و اشتباه هستند. خطای اول از جانب سیاستمداران است که ریشه تورم را به‌درستی درک نمی‌کنند. بیش از ۱۵۰ سال قبل (قبل از انقلاب مشروطه) سیاستمداران آن زمان، تجار و بازرگانان را علت گرانی (بخوانید تورم) معرفی کردند و در ملاءم شلاق زدند تا تنبیه شوند و مسئله حل شود؛ بعد از گذشت این همه سال، هنوز مدیران ارشد و سیاستمداران، گران‌فروشی تجار و سرمایه‌داران را ریشه تورم معرفی می‌کنند. بر این اساس، سودجویی، طمع‌ورزی و حرص این افسراد باعث افزایش مدام قیمت کالا و خدمات بوده و راه‌حل در تأسیس نهادهای نظارتی و اقدامات انتظامی برای کنترل این افراد نهفته است. کمتر سیاست‌مداری وجود دارد که این سازوکار را مفید نداند. گران‌فروشی برخی فعالان اقتصادی، معلول تورم است نه ریشه تورم. برخی سیاستمداران نیز افزایش نرخ ارز را علت اصلی تورم می‌دانند. درحالی‌که افزایش قیمت ارز، خود معلول علت اصلی دیگری است؛ زمانی که سطح عمومی قیمت‌ها در حال افزایش باشد، نرخ ارز نیز متناسب با آن افزایش می‌یابد. علت اصلی تورم، افزایش حجم پول در جامعه، همراه با سرعت گردش آن منهای رشد اقتصادی است. در اواخر دهه ۱۳۸۰، حجم پول در گردش نسبت به ابتدای این دهه ۱۰ برابر شده است. حجم پول در گردش در اواخر دهه ۱۳۹۰ نسبت به سال‌های ابتدایی این دهه نیز چندین‌برابر شده، درحالی‌که در خوشبینانه‌ترین حالت، رشد اقتصادی در برخی سال‌ها چهار درصد بوده است و در سال‌های دیگر شاهد رشد اقتصادی صفر یا منفی بوده‌ایم. سیاستمداران باید هدف یک وقتی تمامی راهکارها، و سیاست‌گذاری‌ها را با پول‌پاشی انجام می‌دهد، سرانجام آن تورم بالاست. به‌ظاهر سیاست‌های پولی و مالی برای کاهش بی‌کاری، فقر و حمایت از تولید انجام می‌شود، اما سرانجام این سیاست، خلاف اهداف خواهد بود و بیشترین لطمه به همان گروه‌های هدف وارد می‌شود. اگر بی‌کاری و فقر را بتوان با وام و تسهیلات حل کرد، پس کشورها مشکلی در این زمینه‌ها نخواهند داشت و مسئله را به‌راحتی حل می‌کنند.

خطای دوم در مسئله تورم را کارشناسان اقتصادی مرتکب می‌شوند؛ زمانی‌که از راه‌حل سخن می‌گویند. این کارشناسان راه‌حل تورم را در بانک مرکزی متفق می‌دانند؛ یعنی جدایی کامل بانک مرکزی از دولت تا به این وسیله بانک مرکزی قلق دولت و ابزاری در اختیار دولت‌ها برای جبران کسری بودجه و اشتباهات مدیریتی نباشد. سخن به‌ظاهر درست است؛ بانک مرکزی باید مستقل از مداخلات گروه‌های پرنفوذ و بوروکراسی دولتی باشد، درعین‌حال باید مرتبط با جامعه، بازار و دولت باشد. به عبارتی، به‌جای استقلال کامل، باید از آرایش مناسب بین بانک مرکزی با جامعه، دولت و بازار سخن بگوییم. بانک مرکزی در ارتباط با جامعه، دولت و بازارها می‌تواند داده‌های مناسب برای سیاست‌گذاری در حوزه تورم را فراهم کند. بدون ارتباط منظم و منسجم این نهاد با جامعه مدنی و بازار، راه برای دست‌درازی گروه‌های پرنفوذ به منابع فراهم می‌شود. بانک مرکزی بدون ارتباط مناسب با جامعه نمی‌تواند تحولات را رصد کند. اگرچه استقلال از گروه‌های نخبه و دولت برای بانک مرکزی ضروری است، اما کافی نیست؛ در عین استقلال از گروه‌های ذی‌نفع، توانایی این نهاد به روابط و تعاملات با جامعه مدنی وابسته است. بانک مرکزی مستقل از جامعه راه‌حل نیست. بانک‌های مرکزی توسعه‌گرا، شبکه‌ای متراکم با جامعه ایجاد می‌کنند که باعث می‌شود منابع، اطلاعات و باخورد لازم را ایجاد کند. این سازوکار، بانک مرکزی را از اسارت منافع گروه‌های نخبه جدا می‌کند. کنترل تورم از سوی بانک مرکزی، نتیجه ارتباط مناسب آن با جامعه و استقلال از نخبگان است. استقلال برای جلوگیری از فساد لازم است، اما نه استقلال و نه خش‌دگی کامل در دولت، راه‌حل نیست، بلکه به ضد آن بدل می‌شود.

ادامه در صفحه ۲

بیانیه

آقای وزیر از شائبه‌ها نگذرید

۴- گفته می‌شود در مواردی نیز از یک آبی‌بی چندین بار رای داده شده که نشان از دادن رای جمعی دارد. این قبیل شائبه‌ها و ابهامات به‌تدریج در ذهن تشکیلات، مدیران مسئول و کاندیداها تقویت شد و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و دبیرخانه هیئت نظارت به‌عنوان مجری و ناظر انتخابات باید به‌طور متأسفانه مقررات و اصل بی‌طرفی را رعایت نکرده است؛ برای نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: ۱- در این انتخابات مانند موارد مشابه دیگر باید آرا مخفی بماند اما نرم‌افزار مورد استفاده در این انتخابات این امکان را به برگزارکنندگان انتخابات می‌دهد که مشاهده کنند چه کسی به کدام نامزد رای داده است؛ مخفی نبودن آرا، به‌تنهایی برای مخدوش‌بودن و ابطال انتخابات کافی است. آقایان مهدی رحمانیان (مدیرمسئول روزنامه شرق)، بیژن مقدم (مدیرمسئول پایگاه خبری الف)، حسن کرلبای (مدیرمسئول پایگاه خبری نیک‌رو) و احمد حکیمی‌پور (مدیرمسئول فصلنامه خاطرات سیاسی) که بسیاری از تشکله‌ها و رسانه‌های اصلی کشور را نمایندگی می‌کنند، به‌دلیل همین شائبه‌ها و در اعتراض به عملکرد وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و دبیرخانه هیئت نظارت از این انتخابات کناره‌گیری و مراتب اعتراض و انصراف خود را به‌طور رسمی اعلام کردند.

نگرانی‌هایی در سلامت این رویداد شد. زیرا وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و دبیرخانه هیئت نظارت به‌عنوان نهاد مجری که باید مطابق با مقررات عمل کرده و به‌طورکامل اصل بی‌طرفی را رعایت کند، متأسفانه مقررات و اصل بی‌طرفی را رعایت نکرده است؛ برای نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: ۱- در این انتخابات مانند موارد مشابه دیگر باید آرا مخفی بماند اما نرم‌افزار مورد استفاده در این انتخابات این امکان را به برگزارکنندگان انتخابات می‌دهد که مشاهده کنند چه کسی به کدام نامزد رای داده است؛ مخفی نبودن آرا، به‌تنهایی برای مخدوش‌بودن و ابطال انتخابات کافی است. ۲- مخفی‌نماندن آرا به‌طور طبیعی برای همکاران مطبوعاتی ما در رسانه‌های آسیب‌پذیر می‌تواند موجب ارعاب و نگرانی از رای باشد و نگران این باشند که اگر رای آنها مطابق با سلیقه دستگاه اجرایی نباشد، بعداً مورد مؤاخذه و تنبیه قرار بگیرند. ۳- شنیده‌ها حاکی از آن است که برخی عوامل طی تماس با تعدادی از رای‌دهندگان از آنها خواسته‌اند رای خود را عوض کرده و به نامزد مورد حمایت دستگاه اجرایی رای دهند.

ادامه در صفحه ۲

یادداشت

ناکامی نظام مهندسی کشاورزی! چرا؟

قصر می‌گیرند! در صورت امتناع آنها از منویات رُسا و گاهی انتقاد از سیاست‌های بخش دولتی، ممکن است به بهانه‌های اداری (مثلاً غیبت غیرموجه و...) آنها را تا مرز اخراج به پیش ببرند. مسائل اخیر در نظام مهندسی کشاورزی استان از همین قشر روست است! که امیدوارم با تدبیر دوستان در شورای مرکزی ختم به خیر شود! این نوع مدیریت دولتی، تأثیرش را بر چگونگی انتخاب اعضای شورا (که هر چهار سال یک بار صورت می‌گیرد) نیز نهاده است. به‌طوری‌که برخی از ارکان‌های غیرمرتبط با بخش و حتی زران‌دوزان شاعل در بخش‌های دیگر، بدون هیچ مانع و رادعی وارد انتخابات شده و اعضای مورد نظر خودشان را به شورا می‌فرستند. امری که تابع قاعده دور و کسلسل شده و در نهایت دودش به چشمان مهندسان زحمتکش و پاکدست می‌رود! کسانی که با هزار امید و آرزو در انتخابات شرکت می‌کنند.

روزمرگی شد. به‌عبارت دیگر به‌جای اوج‌گرفتن از مدار بخش دولتی، به‌تدریج روی همان مدار درجا زد؟ شاید به همین دلیل، هنوز هم به عنوان دفتر، از ساختمان‌های متعلق به وزارت کشاورزی استفاده می‌کنند. به عبارتی دستشان زیر سنگ دولت است! آیا در این صورت مدیران نظام مهندسی کشاورزی می‌توانند مطابق ذات نهادهای مدنی غیردولتی (NGOs) پویا باشند و در مواقع ضروری، اقدام به نقد سیاست‌های دولت در این بخش کنند؟! چنان‌که قبلاً تلویحا به آن پرداختم، علت‌العلل این ناکامی، دراختیارگرفتن پست ریاست سازمان مرکزی نظام مهندسی کشاورزی و مراکز استان‌ها توسط نمایندگان وزیر و رئیس سازمان کشاورزی است! بدیهی است که در این صورت روسای نظام به جای اجرای منویات موکلانشان، تابع سیاست‌های وزارت کشاورزی بوده و عملاً اعضای انتخابی شورا به حاشیه رفته و مورد بی‌مهری

ادامه در صفحه ۴

نامه آمده است: «جناب آقای دکتر صالحی، وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی، با سلام و احترام. همان‌گونه که مستحضرد انتخابات نماینده مدیران مسئول در هیئت نظارت بر مطبوعات به‌عنوان یکی از مهم‌ترین رویدادهای صنفی و مؤثر در سرنوشت جامعه رسانه‌ای کشور، در ۲۰ آبان‌ماه برگزار شد و به‌دلیل آنکه هیچ‌یک از نامزدها موفق به کسب حد نصاب لازم نشدند، انتخابات به دور دوم کشیده شد. در این دوره از انتخابات این امید وجود داشت که بالاخره پس از هشت دوره (یعنی ۱۶ سال)، طلسم نمایندگی مدیران مسئول توسط یک مدیر دولتی شکسته شود و یکی از مدیران رسانه‌ها در انتخاباتی سالم و عادلانه، با رای اهالی این صنف برگزیده و راهی هیئت محترم نظارت شود. در همین راستا تشکلهای فعال در این بخش و مدیران مسئول مطبوعات و رسانه‌ها با شور و شوق و امیدواری به تغییر، وارد این رقابت انتخاباتی شدند و بسیاری نیز خود را شایسته این نمایندگی دانسته و کاندیدای این مسئولیت خطیر شدند. اما در کمال ناباوری برخی گزارش‌ها و اخبار از فرایند انتخابات، موجب ایجاد شائبه‌ها و

شرق؛ موج انتقادها به نحوه برگزاری انتخابات نماینده مدیران مسئول در هیئت نظارت بر مطبوعات همچنان ادامه دارد و پس از استعفای اعتراضی چندین مدیر مطبوعاتی، حالا انجمن‌های صنفی مدیران رسانه‌ها هم در نامه‌ای به وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی خواستار توجه جدی به اعتراض‌ها و همچنین فراهم‌آوردن شرایط برگزاری انتخابات سالم و عادلانه شدند. انجمن صنفی مدیران روزنامه‌های غیردولتی، تعاونی اصحاب رسانه، انجمن صنفی مدیران نشریات ایران و همچنین انجمن صنفی رسانه‌های تخصصی کشاورزی و صنایع غذایی کشور این نامه را امضا کرده و اعلام کردند که «مدیران مسئول رسانه‌های امضاکننده این نامه نیز ترجیح می‌دهند هم‌صدا با کاندیداهای معترض، از شرکت در این انتخابات خودداری کرده و در شکل‌گیری این انتخابات پرشائبه و ناعادلانه مشارکت نداشته باشند». امضاکنندگان این نامه پس از اشاره به موارد نقض قانون در این انتخابات، راه‌حل‌هایی هم ارائه کردند و از وزیر فرهنگ خواستند با دعوت از معترضان و شنیدن انتقادها، زمینه برگزاری انتخابات سالم و عادلانه را فراهم کند. در این

برندگان و بازندگان جنگ قره‌باغ

فریدون مجلسی، تحلیلگر روابط بین‌الملل



در ۲۲ مهر در «شرق» نوشتیم چرا برخی از جنگ جمهوری آذربایجان و ارمنستان شگفت‌زده‌اند؟ و اینکه لغو خودمختاری عهد شوروی اقلیم ارمنی‌نشین ناگورنو قره‌باغ ارمنه آن دیار را که اکنون به اقلیتی مورد تبعیض در کشورشان تبدیل شده بودند، نگران کرد و به اعتبار انتخاباتی جدایی و استقلال خود را اعلام کردند. و ارمنستان در حمایت از اقلیم ناگورنو قره‌باغ با حمایت از خارج به زور متوسل و با جمهوری آذربایجان وارد جنگ شد و برای دستیابی به آن دیار معادل ۲۰ درصد خاک جمهوری آذربایجان یعنی حفاصل ارمنستان تا ناگورنو قره‌باغ را که شامل مناطق اردوباد و لاجین است، به اشغال خود درآورد. «این دستاورد برای ارمنستان فرصت خوبی بود تا چانه‌زنی با جمهوری آذربایجان با استرداد مناطق اشغالی بتواند حقوق اکتسابی ویژه مناطق ارمنی‌نشین ناگورنو قره‌باغ را حفظ کند و در مقابل دادن کریدور دستیابی جمهوری آذربایجان به ایالت جدامانده نخجوان بتواند متقابلاً به کریدوری هم برای دستیابی ارمنستان به مناطق ارمنی‌نشین ناگورنو قره‌باغ دست یابد و پرورده این دعوا را ببندد». متأسفانه راه‌حل عقلانی معمولاً شنونده‌ای ندارد و در ادامه این جنگ صدها جوان ارمنی و آذربایجانی جان باختند و صدها خانه ویران و هزاران نفر آواره شدند تا سرانجام با دخالت جدی روسیه قرار شد «جمهوری آذربایجان در مقابل استرداد مناطق اشغالی بتواند حقوق اکتسابی ویژه مناطق ارمنی‌نشین ناگورنو قره‌باغ را حفظ کند و در مقابل دادن کریدور دستیابی جمهوری آذربایجان به ایالت جدامانده نخجوان بتواند متقابلاً به کریدوری هم برای دستیابی ارمنستان به مناطق ارمنی‌نشین ناگورنو قره‌باغ دست یابد و پرورنده این دعوا را ببندد». حال ببینیم چه کسی در این جنگ برنده یا بازنده شد. روس‌ها نمی‌توانستند و حق نداشتند در عملیات جمهوری آذربایجان در خاک خودش دخالت یا از آن جلوگیری کنند. به ارمنستان هم هشدار داده بودند که زودتر «برای عقب‌نشینی از اراضی اشغالی» با جمهوری آذربایجان مذاکره و قضیه را مختومه کند. به جمهوری آذربایجان هم هشدار دادند که قدم به خاک ارمنستان نگذارند و به عهدشان عمل کردند. دادن کریدور دستیابی ارمنستان به ناگورنو و همچنین جمهوری آذربایجان به نخجوان دستاورد بزرگ تضمین‌کننده صلح و به نفع همه همسایگان است.

ادامه در صفحه ۴